

یادداشت

حاشیه‌های جشنواره بیست و سوم

سیلاب در کویر موسیقی

مازیار نصیری

بیست و سومین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر مقارن با بعد سعید قربان و شب یلدا آغاز شد . تقارن افتتاح با این دو مناسبت میمون و مبارک برای اهالی موسیقی سالن‌های نیمه‌خالی و بالطبع سردی مجربان و نوازندگان و فضاهایی کم‌فروغ را به همراه داشت . با رجوع به روابط عمومی هیچ کدام از پلیت‌های دعوتی که در اختیار سازمان‌ها و ارگان‌ها قرار گرفته بود عودت داده نشده و بلیت فروشی هم تمام شده بود . از نکات مثبت این دوره می‌توان به ظهور بخش رقابتی اشاره کرد . هر چند مفاد آئین‌نامه اعلام شده برای گروه‌های تقاضایی شرکت در این بخش بیشتر سبب سردرگمی شد، اما بارقه امیدوی برای تداوم این نوآوری را در دل اصحاب هنر تاباند . از جمله موارد گنگ آئین‌نامه می‌توان به اجرای ۸۰ دقیقه موسیقی ، آن‌هم آثاری که تاکنون به اجرا در نیامده باشند اشاره کرد، که بعداً این زمان به ۴۰ دقیقه تقلیل یافت و موضوع آثار اینگونه تلطیف شد که لاقفل در سال ۱۳۸۶ اجرا نشده باشند . (تصورش را بکنید با آن شرایط در یک سال چند ساعت موسیقی نو در ژانرهای متفاوت باید خلق و صد البته تولید می‌شد!) نکته دیگر که هنوز سوال بزرگی به حساب می‌آید تعداد اعضای گن‌وه‌ها است . طبق همان فراخوان اعضای گروه بایستی بین ۳ تا ۱۲ نفر باشند . از آنجایی که اجرای ۱ تا۹ نفره راآسامیل و اجرای از ۱۰ نفر به بالا را ارکستر می‌نامند (در تعاریف آکادمیک) حال و روز ارکستری را تصور کنید که تک‌خوان ، تک‌نواز و رهبر نیز داشته باشد و بخواهد خود را در این قالب مجهول بگنجاند! بهتر بود بخش رقابتی از نظر تعداد نوازنده به تقسیم متلفکی تری می‌رسید . البته از گوشه و کنار شنیدیم توجیه دبیر محترم جشنواره آن بوده که می‌خواهیم از تکراری شدن حضور نوازندگان مجرب در چند گروه متعدد جلوگیری کنیم . آیا بهتر نبود یکی از مفاد آئین‌نامه به سادگی این گونه تعیین می‌شد که از شرکت‌کنندگان تقاضای شرکت در تنها یک گروه را داریم! از نکات جالب در برنامه آنکه در بخش کلاسیک سه گروه کر به رقابت با تریوسازی، کوئینتت سازی و تکنوازی کنترباس با هم‌راهی پیانو می‌پردازند . تو خود بخوان حدیث مفصل از این منگنه! از فر ساز گیتارپاس می‌گوشید! بخش دیگر به رقابت ۱۰ گروه موسیقی پاپ می‌پردازد . اصولاً موسیقی پاپ در سال‌های اخیر جریان مداوم، پیشرو و پویا نداشته چون اصولاً سیاسی ثابت و شفاف در این مورد طراحی نشده . حال چگونگی است موسیقی پاپی که طی سال‌ها با حضوری جسته و گریخته توجه محدودی را به بولتن مجبورانه داشته یک باره در بخش رقابتی جشنواره اعلام وجود می‌کند . و اما بخش سنتی – تالیفی . نکته بسیار آسروارآمیز استغفای داریوش پیرنیکان یکی از چهار عضو اصلی هیات داوران در دقیقه ۹۰ و عدم حضور محمد فردی دیگر عضو هیات داوران در این بخش بود . با نگاهی کلی به بولتن جشنواره به یک جمع‌بندی کلی می‌رسیم و آن این است که ۱– اکثر گروه‌ها نوپا بوده و طی دو سال گذشته پا به عرصه موسیقی گذاشته‌اند.



۲– خوانندگان را به مطالعه بولتن جشنواره و اشتباهات املائی فراوان که باعث نشاط‌شان خواهد شد دعوت می‌کنم . ۳– با یک هفته زندگی در تهران این نتیجه می‌رسد که در ساعات اوج ترافیک نمی‌توان از فرهنگسرای نیاوران تا فرهنگسرای بهمن را نیم ساعت‌ه پیمود مگر با چرخبال . پس حق انتخاب شنونده محدود به منطقه خاصی در تهران می‌شود . حال که محروم از شنیدن بعضی از اجراها در پایتخت می‌شویم چرا شهرستان‌ها سهمی از جشنواره نداشته باشند؟ متأسفانه بیست و سومین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر مهیج‌تر از دوره‌های قبل در زمینه اطلاع‌رسانی و گزارش‌های خبری چه از طریق رسانه‌های عمومی و چه صدا و سیما بوده است . صاحب امتیاز یکی از چهار مجله تخصصی موسیقی خود را در حال و روز الیور تویست می‌دید زیا در مقابل درخواست چند کارت خبرنگاری برای پوشش هرچه بهتر جشنواره و ارائه تفسیر و گزارش تخصصی با مخالفت از سوی مجربان مواجه شده است و این گونه تفهیم شد که سهمیه کارت خبرنگاران محدود نسبت زیا ۱۵۰ عدد کارت برای صدا و سیما صادر شده . صدا و سیمایی که در دوره‌های قبل به غیر از پخش چند ثانیه موسیقی با کیفیت بد صوتی و تصویری مخدوش و بی‌ریبط و مصاحبه‌هایی کوتاه با معدود دست‌اندرکار و شرکت‌کنندگان، به ارائه خبری از جشنواره‌های موسیقی بسنده کرده با این تعداد کارت خبرنگاری چه خواهد کرد؟

ادامه از صفحه ۹

غریبی از شهر آشنایی

در سال ۱۳۸۲ در سومین دوره همایش چهره ماندگار از او تقدیر شد . این تقدیر هرچند دیرهنگام شاید نشانه قدردانی از گوشه‌یی از خدمات او باشد، اما استاد از عدم وجود حمایت‌های دولتی گلنه گند است: «در اغلب کشورهای دنیا دروس موسیقی را در مقاطع دبسی از رزمنده الهی در مدارس صحت می‌کنم که هنر سازی نوازندگان برجسته، آهنگسازان و موسیقیدانان به دلیل عدم حمایت دولت از موسیقی و پایین آمدن کارهای اجرایی به دلایل روشن ، در حال خاموش شدن و از بین رفتن است .»

این کاش می‌شد بیشتر به فکر فرهنگ بزرگان و بزرگان فرهنگمان باشیم .

پی‌نوشت‌ها:

- برگرفته از کتاب «تاریخچه هنرستان و هنرکده موسیقی ملی» ص ۵۵–نوشته ابراهیم صفایی –تهران۱۳۵۵
- همان – ص ۳۳–۳۱
- به نقل از مصاحبه با اعتمد
- آثاری از حسین دهلوی – ماهور ۱۳۶۹



من به موسیقی بد سنتی انتقاد دارم نه به موسیقی سنتی / عکس: مهدی حسینی

گفت‌وگو با هوشنگ کامکار – آهنگساز

از کار سفارشی می‌ترسم

– باربد اعلایی

در جشنواره امسال قرار است ارکستر سمفونیک تهران قطعاتی از هوشنگ کامکار را تحت عنوان «منظومه سمفونیک مولوی» اجرا کند و جالب‌تر اینکه رهبری ارکستر نیز به عهده ارسلان کامکار است . او که سال‌ها مایستر ویولن ارکستر سمفونیک تهران بوده این بار قرار است در مقام رهبر قطعاتی از برادر بزرگ‌تر و مدیر گروه کامکارها را با این ارکستر اجرا کند . یکی از نکات جالب گروه کامکارها فعالیت و حضور آنها در هر دو حوزه موسیقی کلاسیک و سنتی است . به بهانه حضور هوشنگ کامکار در این جشنواره با او به‌گفت‌وگو نشستیم .

نمی‌گیرند . خواننده می‌تواند در نظر مردم تأثیر بگذارد . آقای ناظری چندین بار با من تماس گرفت و پیشنهاد داد یک کار با ارکستر بزرگ انجام دهم . در آن زمان در امریکا بود و من موافقت کردم . بعد از اینکه به ایران آمد با او تماس گرفتم، به ارسلان نوازنده خوبی است و آهنگساز هم هست، از او انتظار دارم کار را به خوبی اجرا کند .

–اکثر رهبران ارکستر و آهنگسازان بخش عمده‌یی از ضعف ارکستر را مربوط به توانایی پایین نوازندگان آن می‌دانند . آیا شما هم چنین عقیده‌ی دارید؟

همیشه نمی‌توان به نوازنده‌ها ایراد گرفت . چرا بر فرض به وزارت ارشاد و اینکه سازه‌های نویی برای ارکستر تهیه نمی‌کند ایرادی گرفته نمی‌شود؟ چرا هیچ‌کس از نظر مادی و معنوی نوازنده‌ها را حمایت نمی‌کند؟ در این صورت نوازنده هم تمام زور ویش را برای ارکستر سمفونیک خواهد گذاشت و مجبور نیست برای کسب درآمد در جاهای مختلفی کار کند . با این شرایط طبیعی است که نوازنده نتواند به کار اصلی‌اش بپردازد . ارکستر سمفونیک‌با اجرای سمفونی شماره ۹ بهیونن یا رهبری «علی رهبری» نشان داد که ارکستر خوبی است . اما هر ارکستری برای خودش یک ویژگی دارد و ما نمی‌توانیم این ارکستر را با این شرایط بر فرض با ارکستر سمفونیک لندن یا برلین مقایسه کنیم . ارکستر سمفونیک توانایی‌های خودش را دارد و کارهایی که برای آن نوشته شده را خوب اجرا می‌کند . در ارکستر سمفونیک هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت به شرط آنکه نیازهایش هم برآورده شود .

–ارکستر سمفونیک تهران ملتی است که رهبر ثابت ندارد . ارکستر سمفونیک رهبر ثابت می‌خواهد . رهبری که آگاهی و دانش این کار را داشته باشد . هر چند استفاده از رهبر میهمان هم برای انتقال تجارب خیلی خوب است و کمک زیادی می‌کند . این ارکستر می‌کند . اما رهبر دائم برای ارکستر واقعاً لازم است تا ارکستر در طول سال یکنار نباشد . فکر می‌کنم سروس متششر شود . دوستان من در خانه موسیقی هم در جریان آماده شدن این کار بودند و بنابراین پیشنهاد اجرای آن را توسط ارکستر سمفونیک مطرح کردند . این کار با ارکستر بزرگ نشده و و مروحی‌ای در زمینه اشعار مولانا با ارکستر بزرگ نشده و شخصاً هیچ کاری در این زمینه ندیده و نشنیده‌ام . روی همین اصل از این کار استقبال زیادی شد .

–پیشنهاد رهبری ارکستر توسط ارسلان کامکار از طرف شما بود یا اینکه مدیران ارکستر چنین نظری داشتند؟

قرار بود آقای چکنواواریان ارکستر را رهبری کند و حتی وقتی رایتیورهارا دیدند از این کار استقبال زیادی کردند . منتها گمان می‌کنم از نظر مالی نتوانستند در مرکز موسیقی به توافق برسند . در حال حاضر ارکستر سمفونیک رهبر ندارد و چون قرار بود این کار به همراه دو کار «کنسرت کمانچه» و «سوئیت سمفونیک افسانه سرزمین پدری» (که کار ارسلان و اربابویدر است) اجرا شود ، از ارسلان خواش کردم رهبری ارکستر را به عهده بگیرد . او هم با وجود اینکه کارش رهبری حرفه‌یی ارکستر نیست ، قبول کرد این کار را انجام دهد .

–خودتان ترجیح می‌دادید که رهبر دیگری کار را اجرا کند یا اینکه ارسلان کامکار را برای رهبری ارکستر مناسب می‌دیدید؟ ارسلان چون شناخت کاملی از موسیقی دارد، می‌تواند این کار را به خوبی به سرانجام برساند . از جهتی هم اگر رهبری را شخص دیگری به عهده می‌گرفت و ارسلان ویولن می‌زد خیلی بهتر بود . اما همان‌طور که گفتیم چنین امکانی وجود نداشت . با تمریناتی که من در آنها حضور داشته‌ام و دیده‌ام، فکر می‌کنم ارسلان بتواند کار خوبی ارائه دهد . اجرای آثار به آنها اجرای بدی بوده است . اما در کل ایراد آرتچنانی به کار

روزنامه جشنواره موسیقی فجر



من به موسیقی بد سنتی انتقاد دارم نه به موسیقی سنتی / عکس: مهدی حسینی

گفت‌وگو با هوشنگ کامکار – آهنگساز

می‌شود که زیبایی بیشتری به کار می‌دهد . اما آهنگسازان ما همیشه مشکل ربع پرده را مطرح می‌کنند، در صورتی که می‌توان به استفاده از ربع پرده در کار هم فکر کرد . با ترکیب خطوط ملودی‌ها به صورت افقی و عمودی کار دچار اشکال می‌شود اما به صورت کتر پویانیک به راحتی قابل استفاده است و من در تمام کارهایم از آنها استفاده می‌کنم . در همین «منظومه سمفونیک مولوی» از گوشه‌های مختلف ایرانی یا فاصله ربع پرده هم استفاده شده است . مهمتر از همه اینها ، دنیا‌ی فعلی ما دنیا‌ی این نیست که بگوییم فلان فاصله ممنوع است یا فلان چیز نباید وجود داشته باشد. این صحبت‌ها مربوط به دوره کلاسیک، باروک، رمانتیک و . . . بود اما دنیا‌ی الان، دنیا‌ی صوت است . شما حتی می‌توانید از صدای کشیده شدن یک صندلی روی زمین هم در کار استفاده کنید . منتها این صدا باید زیبا باشد و مخاطب را جذب کند . در فاصله ربع پرده هم مشکل زیادی نداریم و نباید خودمان را درگیر آن کنیم .

–شما انتقادهای تندی هم به موسیقی سنتی داشته‌اید . . . من به موسیقی بد سنتی انتقاد دارم نه به موسیقی سنتی . به اجرای بد هر نوع موسیقی می‌توان انتقاد کرد .

–این نظر وجود دارد که موسیقی سنتی ما به تدریج مخاطبان خود را از دست می‌دهد و فاصله‌یی میان این نوع موسیقی و اکثریت جامعه ایجاد شده است . به نظر شما هم چنین فاصله‌یی وجود دارد؟

هر نوع موسیقی به شرط اینکه خوب اجرا شود و اصول صحیحی داشته باشد جذب مخاطب خواهد کرد . موسیقی باید حرفی برای گفتن داشته باشد . این حالت شامل هر نوع موسیقی مثل سنتی ، پاپ ، موسیقی مللی و موسیقی مخصوص کودکان هم می‌شود . اینکه یک کار با ارکستر سمفونیک اجرا شود، دلیلی برای خوب بودن آن کار نیست . به جرات می‌توان گفت در ماه‌های گذشته چند کار سمفونیک دیده‌ام که واقعاً شنیزی ارزش نداشته‌اند . یک کار را نمی‌توان دانست و برعکس آن هم کار سنتی که با چند ساز اجرا می‌شود به واسطه اینکه ارکستر صدنفر اجرا شده کار بزرگ و خوبی است . او جوان است و به هر حال باید به جوان‌ها کمک کرد .

–سال‌ها قبل تعریفی را از موسیقی مللی ارائه کردید و در آن اشاره داشتید که موسیقی پاپ هم بخشی از موسیقی مللی ماست . . . می‌خواستیم این تعریف را بیشتر باز کنید . فکر می‌کنم حدود سال ۶۰ و بعد از کار «در گلستانه» تعریفی جامع از موسیقی مللی دادم . آن موسیقی ، موسیقی مللی است که هسته اصلی و عوامل اصلی آن از موسیقی ایران‌زمین باشد . این هسته اصلی می‌تواند یک موسیقی فولکلور، سنتستی و . . . باشد . حتی می‌توان این نغمات و ملودی‌ها را با ارکستراسیون یا تکنیک‌های موسیقی جهانی (علم پلی فونی و کنترپوان) ترکیب کرد . اما در نهایت مهم‌ترین نکته این است که همه این تکنیک‌ها و عواملی که آهنگساز در اختیار دارد در جهت بیان احساسات ملی او باشد . اصطلاحاً می‌توان گفت که زیبایی موسیقایی‌بر تکنیک آن غالب باشد . بعضی‌ها فقط از موسیقی جهانی و تکنیک‌ها استفاده می‌کنند اما اثرشان رنگی از موسیقی ایرانی ندارد و اگر یک ایرانی هم آن را گوش کند متوجه ایرانی بودنش نمی‌شود . نوع موسیقی باید هویت داشته باشد و در صورت گوش دادن آن متوجه شرقی بودن و ایرانی‌بودنش شویم . من این نوع موسیقی را موسیقی ملی می‌دانم و به نظرم امکاناتش از موسیقی مغرب‌زمین بیشتر است . می‌توانیم از سازه‌ای خودمان مثل سنتور ، کمانچه و تار هم در کنار تمام سازهایی که در ارکستر کلاسیک وجود دارد استفاده کنیم . در این حالت آهنگساز امکان بیان گسترده‌تری خواهد داشت .

–اختلافی که بین جنس صدای سازه‌های سنتی و سازه‌های موسیقی کلاسیک است یا وجود ربع پرده‌ها در موسیقی ایرانی آهنگساز را دچار مشکل نخواهد کرد؟ اختلاف جنس صدای سازه‌ها باعث ایجاد رنگ صوتی موسیقی ایرانی ندارد و اگر یک ایرانی هم آن را گوش کند متوجه ایرانی بودنش نمی‌شود . نوع موسیقی باید هویت داشته باشد و در صورت گوش دادن آن متوجه شرقی بودن و ایرانی‌بودنش شویم . من این نوع موسیقی را موسیقی ملی می‌دانم و به نظرم امکاناتش از موسیقی مغرب‌زمین بیشتر است . می‌توانیم از سازه‌ای خودمان مثل سنتور ، کمانچه و تار هم در کنار تمام سازهایی که در ارکستر کلاسیک وجود دارد استفاده کنیم . در این حالت آهنگساز امکان بیان گسترده‌تری خواهد داشت .

–تفاوتی که بین جنس صدای سازه‌های سنتی و سازه‌های موسیقی کلاسیک است یا وجود ربع پرده‌ها در موسیقی ایرانی آهنگساز را دچار مشکل نخواهد کرد؟ اختلاف جنس صدای سازه‌ها باعث ایجاد رنگ صوتی موسیقی ایرانی ندارد و اگر یک ایرانی هم آن را گوش کند متوجه ایرانی بودنش نمی‌شود . نوع موسیقی باید هویت داشته باشد و در صورت گوش دادن آن متوجه شرقی بودن و ایرانی‌بودنش شویم . من این نوع موسیقی را موسیقی ملی می‌دانم و به نظرم امکاناتش از موسیقی مغرب‌زمین بیشتر است . می‌توانیم از سازه‌ای خودمان مثل سنتور ، کمانچه و تار هم در کنار تمام سازهایی که در ارکستر کلاسیک وجود دارد استفاده کنیم . در این حالت آهنگساز امکان بیان گسترده‌تری خواهد داشت .

–تفاوتی که بین جنس صدای سازه‌های سنتی و سازه‌های موسیقی کلاسیک است یا وجود ربع پرده‌ها در موسیقی ایرانی آهنگساز را دچار مشکل نخواهد کرد؟ اختلاف جنس صدای سازه‌ها باعث ایجاد رنگ صوتی

گزارش

نگاهی به دو اجرا

یک روز با جشنواره

پوری پارسا

گروه مشرق به سرپرستی و آهنگسازی محمد سلیمانیان در قسمت دوم از سانس اول و در دومین روز جشنواره موسیقی فجر در فرهنگسرای هنر به صحنه رفت . این گروه که از نوازندگانی جوان تشکیل شده بود به اجرای موسیقی ردیف دستگامی (موسیقی دوره قاجاریه) آن هم به طور تک صدایی (آئینس) پرداخت و چون بسیاری از دیگر جوانان به تکرار آثار دیگر جوانان پرداخت ، هرچند که کلیه قطعات اجرا شده ، از ساخته‌های خود محمد سلیمانیان بود اما طرز تلقی وی از موسیقی ایرانی همان موسیقی اوایل انقلاب است . همان موسیقی سال‌های ۵۰ تا ۷۰ و از این رو موسیقی گروه مشرق را باید نوعی تکرار مکررات دانست . تلفیق اشعار با موسیقی بی نقص بود و کلمات به راحتی تشخیص داده می‌شد ، هرچند که در مواقعی سهم شعر بر موسیقی سنگینی می‌کرد و گویی آهنگساز بیشتر به تاکیدگذاری صحیح در بیان اشعار دقت کرده است تا خلق ملودی‌های زیباتر . اما آنچه بیش از هرچیز از جذابیت تصانیف می‌کاست ، عدم اجرای تصانیف توسط خواننده بود . گروه مشرق را باید گروهی جوان و کم‌تجربه دانست که راه‌های بسیاری را باید بیسپامد اما با این حال باز هم خواننده در حد و اندازه دیگر اعضای گروه نبود . تک‌نواز سه‌تار با تکنیک و سنووریه‌یی قابل قبول سه‌تار نواخت و او را باید از آینده‌داران موسیقی اصیل ایرانی دانست . به استثنای نوازنده مذکور اضطراب در تکنوازی دیگر نوازندگان مشهود بود که این موضوع نشان از کم‌تجربگی دارد . تاخیر در شروع برنامه و همین‌طور تذکر مسولان فرهنگسرای هنر در مورد کمی وقت موجب برهم خوردن تمرکز نوازندگان و البته شنوندگان شد ، که این موضوع نمره اجرای او کسرت در یک سانس از برنامه است . آنچه برای اجرای جای سوال و شگفتی داشت لحنهای مکرر نوازندگان به یکدیگر بود . اصلاً اعتقاد به خشک و بی‌روح اجرا کردن موسیقی ندارم . اما خنده‌های مکرر نه تنها باعث می‌شود که افکار حاضران و نوازندگان

مخدوش شود، بلکه بی‌احترامی به روح موسیقی است . کرک دقیق ، اندک رعایت نوانس (شدت و ضعف صدا) ، تنظیم فواصل موسیقی از دیگر نکات برجسته گروه موسیقی اصیل مشرق بود . به امید حضور پربارتر به همراه اندکی نوآوری (گروه مشرق بر صحنه‌های موسیقی .

در سانس دوم برنامه لی‌لی افشار به اجرای برنامه پرداخت . به هیچ‌عنوان در عرصه موسیقی اعتدابه مقایسه نکردن‌باوان با آقایان ندام و هواره از کم‌کاری و کیفیت موسیقی باوان در مقایسه با آقایان نومه‌ام، چرا که تنها در جازدن موسیقی باوان مدرک کنترآ کون آن با موسیقی آقایان است ؛ و لی‌لی افشار مهر تاییدی بر این اعتقاد ماست . او متولد تهران است و از ۱۰ سالگی گیتار نواخته است . با مدرک کارشناسی از کنسرواتوار بوستون و با مدرک کارشناسی ارشد از کنسرواتوار موسیقی یونانکنند فاع التحصیل شد . او در رشته گیتار موفق به اخذ مدرک کنترآ شده است (دانشگاه فیلویدیا) و درجه پروفسوری نوازندگی گیتار را از دانشگاه مفیس دریافت کرده است و هم اکنون رئیس برنامه گیتار همین دانشگاه است . با



این توضیحات شاید دیگر گزارش و تحلیل کسرت او قابل پیش‌بینی باشد .

افشار اجرا کرد و از همین اولین قطعه مشخص شد که وی تا چه اندازه از سلیقه رایج اهالی موسیقی مطلع است . که این موضوع نشان از پویستگی این فن مهم دنیای موسیقی (نوانس) دانست . چرا که نوانس و رعایت به موقع و بجای فرهنگی در ایران مطلق است . رعایت کردن صحیح نوانس از دیگر نکات موسیقی افشار بود ، این کسرت او را باید نوعی کلاس آموزشی برای یادگیری این فن مهم دنیای موسیقی (نوانس) دانست . چرا که نوانس و رعایت به موقع و بجای نوازندگی فارغ‌التحصیل این قطعه میان ایرانیان دوستدار آن تاثیرگذاری ملودی‌ها و انتقال احساس آهنگساز و نوازنده به مخاطب را میسر می‌کند . در تمام طول برنامه کوشیدم تا نکته‌یی ، انتقادی ، نقیصه‌یی ، اشتباهی و چیزی شبیه به این بیایم تا متن حاضر را از یک بعدی بودن نجات بدهم که نشد و مطلقی جز تمجد از این بانوی هنرمند به ذهنم خطور نکرد . آنچه از همان ابتدا و از همان مضرب‌های نخست عیان گشت ، تکنیک و تسلط بالای نوازندگی خانم لی‌لی افشار بود . دست چپ وی سریع و قوی بود (دستی که روی دسته ساز قرار می‌گیرد) و دست راست وی (دست مضرب) با موزیکالیتیی شنیدنی به سیم‌ها ضربه وارد می‌کرد، البته در ابتدای نوازندگی این قطعه میان ایرانیان دوستدار آن فاشتر شد . این کسرت لی‌لی افشار را باید نوازندگی گیتار به سبک فلامنکو دانست . هر چند که حضور ریشه‌های موسیقی کلاسیک اروپا در نوازندگی لی‌لی افشار و همین‌طور در انتخاب قطعات ملموس بود ، اما شاخصه‌های موسیقی گیتار فلامنکو بیشتر مشهود بود . از نکاتی که بسیار علاقه دارم به آن بپردازم ، اجرای قطعاتی غربی با سازی غربی توسط نوازنده‌یی فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های غربی و حضور احساس و اندیشه شرقی و ایرانی بود . فقط کافی است یکی از قطعاتی که لی‌لی افشار اجرا کرد را با اجرای نوازندگانی دیگر بشنودید تا حضور احساسی ایرانی را در یابید . خاطرات الحمرا (فانسیسکو تارگا) از دیگر قطعاتی که لی‌لی افشار نواخت و به‌ترتیب محبوبیت این قطعه میان ایرانیان دوستدار گیتار و اجراهای متعدد توسط نوازندگان گوناگون ، این اجرا یکی از بهترین اجراهای این قطعه بود . رعایت آداب صحنه از دیگر نکاتی بود که از حرفه‌یی گزی لی‌لی افشار حکایت می‌کرد . او نواختن چند قطعه از موسیقی منطقه امریکای جنوبی کار خود را به پایان رساند و با تشویق‌های بسیار حاضران مجدد روی صحنه حاضر شد و قطعه‌یی محلی ایرانی را با تنظیمی جدید نواخت . آنچه در پایان مشهود بود، رضایت کلیه شنوندگان بود . اما باگذارد از بهترین قسمت این کسرت بگویم . لی‌لی افشار بانوی ایرانی بر صحنه موسیقی ایرانی می‌نوازد و مخاطبی ایرانی دارد . اما مسولان جشنواره که از مدت‌ها قبل قول حضور گروهی از امریکا را داده بودند لی‌لی افشار را با عنوان نوازنده‌یی از امریکا معرفی کردند و در تمام طول برنامه بر پرده‌یی پشت این بانوی هنرمند نوشته شده بود ، بخش بی‌الملل – تکنوازی گیتار – امریکا . پس ماینز اضافه می‌کنیم صدای حیف .

ادامه در صفحه ۱۱